

فتوای عربی

شنیدم از مکه از شهر قرآن	بیامد فتوا از روی ایمان
مقام زن در آن توصیف کردند	اساس خلقتش تحریف کردند
به زن دادند مقامی همچو اشتر	ویا همسان بز کردند تفکر
نمیدانم که اینان خود کیانند	مگر زاد و ولد خود ندانند
چو خوردند شیراشتر در صباوت	زعقل خام خویش کردند روایت
گمان کردند که اشتر مادر اوست	ویا هم بز چو دایه در بر اوست
ز ثروت میزیند دروهم و ظلمت	بدور از شائن انسان در جهالت
ندارند حرمت قرآن و انسان	به دنیا فتنه انگیزند بدینسان
گروه وحشی و جانی و جاهل	بیافروزند بساط وهم باطل
به هر جایکه اسلام است مسلمان	نبیند زن به جز توهین و حرمان
برند بینی وهم گوش و زبانش	به آتش میکشند جسم و روانش
نه بینند آن صفا و عشق مادر	خلوص و مهر وهم الطاف خواهر
ندارند درک عشق همسر خویش	که جز مهر و وفایش نیست در پیش
اساس جنگ و تبعیض و شقاوت	زمکه مایه گیرد وز سیاست

به هر جا است بری جهل و خرافات

شوند مومن بدین وهم و کثافات